

جستاری در آفات زینت‌ها (با تأکید بر زینت‌های محسوس)

الهه شاه‌پسند^۱

سید محمد مرتضوی^۲

چکیده

زیبایی و زینت در هر دو دسته معقول و محسوس، مورد توجه و علاقه آدمی است. در عین حال، هر کدام از آنها آسیب‌هایی دارد که در متون دینی مورد توجه و تحذیر بوده است. این مقاله بعد از بررسی آیات و روایات به این نتیجه رسیده است که مهمترین آسیب زیبایی معقول، تزئین و رهزنی شیطان است. درباره زینت‌های محسوس نیز باید توجه داشت که نحوه یادکرد زینت‌ها به هنگام تشویق به بهره‌گیری از آنها، بیشتر به عنوان نعمتی الهی و موجب توجه به خدا بوده است، حال آنکه به هنگام تحذیر، با قرین شدن به حیات دنیا، به مرتبه‌ای نازل مخصوص شده است که در ورای آن امر و الاثری قرار ندارد. آسیب‌های مطرح شده برای توجه بیش از اندازه به زینت‌های محسوس، نشان دهنده دلیل این تحذیرهای موکد و وجه این آزمون است که دوری از یاد خدا، بازداری انسان از امور مهم‌تر، فریبندگی، اعجاب و بزرگ‌بینی، عصیان پیشگی، اضلال دیگران، و تعقل‌گریزی از این جمله‌اند.

کلیدواژگان

زیبایی، زینت معقول، زینت محسوس، تشویق و تحذیر، آفات زینت

۱. استاد یار دانشگاه علوم و معارف قران کریم، دانشگاه تربیت مدرس قران، مشهد مقدس، shahpasand@quran.ac.ir.

۲. دانشیار گروه معارف دانشگاه فردوسی، مشهد مقدس، mortazavi-m@um.ac.ir.

۱- مقدمه

انسان زیبایی را دوست دارد و از آن لذت می‌برد. بر این اساس، هم می‌کوشد که خود زیبا باشد و هم در استفاده از زیبایی‌ها تلاش می‌کند. در قرآن، در مواردی دستور به استفاده از زینت‌ها داده شده است؛ به عنوان نمونه: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱): ای فرزندان آدم! زیور [های]تان را در هر مسجدی بگیرید؛ و در آیتی، اندیشه عدم استفاده از زینت‌ها به نقد کشیده شده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (اعراف: ۳۲): بگو: «چه کسی زیور [های] الهی را که برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این [ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند (اگرچه دیگران نیز از آن‌ها استفاده می‌کنند)، درحالی‌که در روز رستاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود.» در آیتی نیز استفاده از زینت‌های زندگی دنیا، اسباب فتنه و آزمون دانسته شده و به پرهیز از آن امر شده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِمْ فِيهِ وَرِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَابْقَىٰ» (طه: ۱۳۱): و هرگز چشمانت را خیره مکن به آنچه گروه‌هایی از ایشان را بدان بهره‌مند کردیم (درحالی‌که شکوفه‌های زندگی پست (دنیا) است تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است).

سؤال اساسی این مقاله این است: در قرآن کریم چه آسیب‌هایی درباره استفاده از

زینت‌های دنیا، پیش‌بینی شده است؛ به عبارت دیگر، نهی از زینت‌های زندگی دنیا، متوجه کدام یک از آسیب‌های این‌گونه از زیبایی‌هاست؟

زیا از مصدر زبیدن به معنی زیننده و شایسته است و زیبایی به حالت و کیفیت زیبا اطلاق می‌شود (معین، ۱۳۸۲، ش ۲/۱۲۴۱). افلاطون در هیپاس بزرگ زیبایی را به آنچه مفید است و در جای دیگر به اندازه و تناسب تعریف می‌کند (کاپلستون، ۱۳۸۰، ش ۱، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۹۳) و ارسطو می‌گوید: صور اصلی زیبایی نظم، همسازی و روشنی است (همو، ج ۱، صص ۴۱۱).

هیوم می‌گوید: «زیبایی چیزی است که در ذهن مشاهده‌گر وجود دارد؛ [بنابراین] درست نیست که آن را به اشیاء خارج از ذهن نسبت دهیم». تقریباً همه اتفاق نظر دارند که پیوندی بین زیبایی و احساس وجود دارد، اما هیوم علاوه بر آن معتقد است که احساس، ذات زیبایی است؛ در نتیجه زیبایی نمی‌تواند در غیبت مشاهده‌گر مناسب وجود داشته باشد (هنفلینگ، ۱۳۷۷، ش ۷۲). در مقابل این نظریه که ذهنی یا درونی^۱ نامیده می‌شود، نظریه عینی یا بیرونی^۲ قرار دارد؛ در این دیدگاه، زیبایی یکی از صفات عینی موجودات است و ذهن انسان [تنها] به کمک قواعد و اصول معینی آن را درک می‌کند (کروچه، ۱۳۸۱، ش ۷). هر کدام از این دو نظریه به تنهایی قابل خدشه‌اند (رک: جعفری، بی تا ۱۱-۱۲؛ جوادی، ۱۳۷۶، ش ۱۰-۱۳)؛ در نتیجه، کسانی چون شیلر کوشیدند زیبایی را حقیقتی دو سویه معرفی کنند، حقیقتی که یک طرف آن عینی و سوی دیگرش ذهنی است (افراسیاب‌پور، ۱۳۸۰، ش ۲۳). علامه جعفری نیز بر دو قطبی بودن زیبایی تأکید می‌ورزد (جعفری، بی تا ۱۱). آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «زیبایی عبارت است از شیء محسوس یا نامحسوس که با دستگاه ادراکی ما هماهنگ باشد یعنی قوای ادراکی از آن لذت ببرد» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ش ۳). و از شهید مطهری است که: «خوب در هر حسی یعنی زیبا» (مطهری، ۱۳۸۲، ش ۹۱).

در متون دینی بیشترین موارد یادکرد زیبایی‌های مادی به واسطه کلیدواژه زینت بوده است. زین دارای مفهومی مخالف با شین (= زشتی) است و «زینت» اسمی است برای هر آنچه با

۱. subjective

۲. objective

آن تزیین کنند (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ۳۸۷/۷). راغب می‌گوید: زینت حقیقی، آن است که در هیچ‌یک از حالات دنیوی و اخروی به زشتی انسان نیانجامد (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۳۸۸). آنگاه که کسی زیبایی شیء را آشکار کرده باشد، می‌گویند «زینت» (همو، ۳۸۹). اصل معنایی این ماده را زیبایی در ظاهر دانسته‌اند؛ در یک امر مادی محسوس باشد یا معنوی و یا در اثر تخیل باشد و یا زینتی عرضی باشد، یا آنچه از نفس شیء ظاهر شده و از جمله اجزای آن است (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ۳۷۴/۴).

«حلیة» نیز از جمله واژگان بیان‌کننده زینت مادی در قرآن کریم است. حلیة اسمی است برای هر آنچه از طلا و نقره که خود را با آن بیارایند (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ۱۰۵/۱). این کلمه به صورت حقیقی، در زینت ظاهری که شیء را می‌آراید، به کار می‌رود. در فرق حلیة با زینت گفته‌اند: «حلیة در زینت‌های عرضی و ظاهری استفاده می‌شود اما زینت بیشتر در مورد آنچه از نفس شیء ظاهر شود، کاربرد می‌یابد (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ۲۷۵/۲)؛ در نتیجه، زینت اعم از حلیة است (همو، ۳۷۶/۴).

همچنین «زهرة» از دیگر واژگان مرتبط با این مفهوم است. زهرة به شکوفه هر گیاهی گفته می‌شود و «زهرة الدنيا» به زیبایی و زینت‌های دنیا اطلاق شده است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، ۱۳/۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ۳۲۱/۳).

۲- انواع زینت‌ها

۲-۱- زینت‌های محسوس

در قرآن، یادکرد زیبایی‌هایی که به وسیله حواس پنج‌گانه درک می‌شوند، فراوان است؛ برای نمونه آنجا که از زیبایی گیاهان گفته است: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ بِهِيجٍ» (حج: ۵): «و زمین را خشک و بی‌گیاه می‌بینی و هنگامی که آب (باران) را بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و رشد می‌یابد و از هر نوع [گیاه] زیبا می‌رویاند.» و یا آنجا که زیبایی گله گوسفندان هنگام رفتن به چرا و بازگشت از آن را توصیف نموده است: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل: ۶): «و در آن‌ها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آن‌ها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به چراگاه

می‌فرستید.» همچنین آنجا که زیبایی‌های بهشت را به تصویر کشیده است [برای نمونه، رک: الرحمن: ۶۲-۷۱].

در قرآن کریم، صورت‌های فعلی و اسمی مادهٔ زین، به‌خصوص کلمهٔ زینت، برای بیان دو گونه از زیبایی‌های محسوس به‌کاررفته است:

۲-۱-۱- زینت‌های عرضی؛ همچون زینت فرعونیان: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (یونس: ۸۸): و موسی گفت: [ای] پروردگار ما! به‌راستی که تو فرعون و اشراف او را زیور و اموالی در زندگی پست (دنیا) داده‌ای؛ و یا مال و فرزند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶): ثروت و پسران، زیور زندگی پست (دنیا) ست.

۲-۱-۲- زینت‌هایی که از نفس شیء می‌جوشند؛ همچون زیبایی آسمان‌ها که خداوند زینت‌گری آن را در آفرینش به خویش نسبت می‌دهد: «وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزِينَةً لِلنَّاطِرِينَ» (حجر: ۱۶): «و به‌یقین در آسمان برج‌هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان آراستیم.» (نیز رک: فصلت: ۱۲، ق: ۶ و ملک: ۵) و یا زینت جسم انسانی که در مورد زن، به بیان احکام آن پرداخته است: «... وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ... وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ...» (نور: ۳۱): «... و زیورشان را آشکار ننمایند، جز آنچه را که از آن‌ها ظاهر است ... و زیورشان را آشکار ننمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا...».

این مصادیق، بدان جهت که از حکمت ازلی سرچشمه گرفته‌اند، از جمله مواردی هستند که نوع آدم - و نه تنها انسانی با آداب و رسوم خاص - آن‌ها را زیبا می‌یابد؛ اما نمی‌توان نادیده انگاشت که گرچه طبیعت زیبایی‌های مادی یکسان است، اما ممکن است میزان جاذبهٔ آن برای افراد مختلف گوناگون باشد. این تفاوت از آن روست که درک این نوع از زیبایی، برحس تکیه دارد؛ حال آنکه حس ملالت و دل‌زدگی می‌پذیرد و طبع انسانی از تغییر آداب و رسوم و دگرگون شدن احوال و گذشت زمان متأثر می‌شود (رک: صدیق، ۱۴۲۳ ق، ۹۷ و ۱۵۷).

۲-۲- زینت‌های معقول

زینت‌های معقول، آن بخش از زیبایی‌ها هستند که وسیلهٔ ادراک آن‌ها، عقل است. عقل، همچون حس از عوامل محیطی متأثر نمی‌شود، از معقولش خسته و ملول نمی‌شود و

از آن رهایی نمی‌جوید. بلکه هنگامی که معقول خود را یافت، با آن یگانه می‌شود (صدیق، ۱۴۲۳ ق، ۱۵۸). زیبایی ایمان در نظر آدمی این‌گونه است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» (حجرات: ۷): لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌هایتان بیاراست و کفر و نافرمانی و گناه را برای شما ناخوشایند ساخت.

۳- مصادیق واژه زینت در قرآن

۳-۱- ستارگان زینت بخش آسمان دنیا: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات: ۶): در حقیقت ما آسمان نزدیک را با زیورسیارات آراستیم.

۳-۲- گنج‌ها و خدم و حشم قارون که در سوره قصص این‌گونه گزارش شده‌اند: «وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ» (قصص: ۷۶): از گنج‌ها به او آن‌چنان دادیم که واقعا (حمل) خزینه‌های او برگروه پیوسته نیرومندی سنگین بود! در آیات همین سوره، به زینت او تعبیر شده‌اند: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص: ۷۹)

۳-۳- مال و فرزند که زینت حیات دنیا شمرده شده‌اند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶): ثروت و پسران، زیور زندگی پست (دنیا) ست.

۳-۴- هر نعمت دنیوی که به انسان داده شده است: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا» (قصص: ۶۰): و آنچه از چیز (ها) به شما داده شده، پس کالای زندگی پست (دنیا) و زیور آن است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۶۲/۱۶).

بررسی موارد کاربرد کلمه زینت در آیات قرآن نشان می‌دهد که هر جا خداوند در مقام ذکر نعمت و امتنان بر آدمی است، این کلمه یا به صورت مطلق کاربرد یافته است و یا با اضافه به نام جلاله و یا ضمیری که به انسان آراسته به آن باز می‌گردد؛ مانند: «وَالْحَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لِيَتَرَكَّبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۸): و اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را [نیز آفرید] تا بر آن‌ها سوار شوید و زیور (شما) باشد و آنچه را که نمی‌دانید می‌آفریند (نیز ر.ک: کهف: ۷، نور: ۶۰، صافات: ۶) که بدون اضافه آمده است و «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱): ای فرزندان آدم! زیور [های] تان را در هر مسجدی بگیرید (نیز ر.ک: نور: ۳۱) و «قُلْ مَنْ حَرَّمَ

زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» (اعراف: ۳۲): [ای پیامبر] بگو: چه کسی زیور [های] الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟! که به نام جلاله اضافه شده است.

گاه نیز زینت بار معنایی منفی به خود گرفته و لزوماً به شیء معینی اشاره ندارد، بلکه هر آنچه انسان را از یاد خداوند غافل کند، مصداق آن است. در این موارد، این کلمه به عبارت «الحياة الدنيا» یا ضمیر آن افزوده شده است: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفَّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يَبْخَسُونَ» (هود: ۱۵): کسانی که زندگی پست (دنیا) و زیور آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در این (دنیا) به طور کامل به آنان می دهیم و به آنان در این (دنیا) کم داده نخواهد شد (نیز رک: کهف: ۲۸ و ۴۶، قصص: ۶۰، احزاب: ۲۸)، یا به نوعی دیگر با این عبارت قرین است؛ مثلاً ظرف استفاده از آن حیات دنیا معرفی شده است؛ مانند: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ» (یونس: ۸۸): و موسی گفت: [ای] پروردگار ما! به راستی که توفرعون و اشراف او را زیور و اموالی در زندگی پست (دنیا) داده ای ای پروردگار ما! (آنان) در نهایت (مردم را) از راه تو گمراه می سازند (نیز رک: قصص: ۷۹، حدید: ۲۰).

۴- تشویق به بهره گیری از زینت ها

تشویق به بهره مندی از زینت ها، از بعضی آیات به صورت ضمنی و از برخی دیگر به طور صریح استفاده می شود. جواز ضمنی آنجاست که خداوند در مقام امتنان نعمت دریا و بهره های آن برای انسان، به استخراج زیور از آن اشاره می کند: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَدِيدًا تَلْبَسُونَهَا» (نحل: ۱۴): و او کسی است که دریا را رام ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و از آن زیوری که آن را می پوشید بیرون آورید (نیز رک: رعد: ۱۷ و فاطر: ۱۲). تشویق صریح نیز در آیه ای از سوره اعراف قابل ملاحظه است: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ... قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (اعراف: ۳۱-۳۲): ای فرزندان آدم! زیور [های] تان را در هر مسجدی بگریید... [ای پیامبر] بگو: چه کسی زیور [های] الهی را که برای بندگانش پدید

آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: این [ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند (اگرچه دیگران نیز از آن‌ها استفاده می‌کنند)، درحالی‌که در روز رستاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود. نحوه یادکرد زینت در این دو آیه بسیار جالب توجه است؛ فرزندان آدم به برگرفتن زینتی فراخوانده شده‌اند که زینت خود آن‌هاست، نه زینت زمین و نه زینت حیات دنیا: «زینتکم»؛ نیز استفاده از زینت با صبغه‌ای الهی همراه شده است: «عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ و دیگر اینکه زینت به لفظ جلاله افزوده شده است: «زینة الله».

در روایات، مصادیق گوناگونی برای «زینت» در این آیه ذکر شده است؛ به عنوان نمونه، در روایتی از امام حسن علیه السلام، عبارت «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» به پوشیدن نیکوترین لباس به وقت نماز (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۱۴/۲) و در روایتی از امام صادق علیه السلام به شانه کردن مو به هنگام هر نماز (همو، ۱۳/۲) تطبیق شده است. در روایاتی از امام صادق علیه السلام، «مَسْجِدٍ» به ائمه علیهم السلام (همو، ۱۳/۲) و «خُذُوا زِينَتَكُمْ» به غسل قبل از دیدار هر امام انطباق یافته است (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۱۱۰/۶). این مصادیق گرچه دارای سطوح معرفتی متفاوت هستند، اما نمی‌توان آن‌ها را محدود کننده مفهوم عام آیه دانست. تفسیر زینت به لباس، چیزی است که در روایات زیادی مورد اشاره واقع شده و مورد تأیید سیاق نیز هست؛ چراکه سیاق این آیات درباره آدم و حوا علیهم السلام و برافتادن لباس آن دو در اثر فتنه شیطان است (ر.ک: اعراف: ۲۶-۲۷) در همین سیاق، به لباس تقوا که لباسی برتر است، اشاره شده و این می‌تواند مصداق کامل‌تری برای «زینتکم» در این آیه باشد؛ راغب اصفهانی بعد از نقل تفسیر زینت به لباس، این قول را نیز در تفسیر آن آورده است: «برخی می‌گویند زینت در این آیه همان کرامتی است که در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) ذکر شده است» (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۳۸۹). تفسیر زینة به «غسل قبل از دیدار هر امام» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۱۱۰/۶)، در مرتبه‌ای بالاتر از تفسیر آن به لباس قرار دارد. خصوصاً اگر در مفهوم غسل، پاک کردن درون از پلیدی‌ها نیز مورد نظر قرار گیرد. در مرتبه‌ای دیگر، شرط ولایت‌پذیری برای قبول نماز مطرح می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۲۹۶/۹).

نه تنها بهره‌گیری از زینت‌ها تا آنجا که یادآور نعمات الهی باشد، جایز و مورد توصیه بوده است، بلکه دعا برای دریافت آن نیز ناپسند نیست؛ چنان‌که باران، در دعای رسول اکرم صلی الله علیه و آله،

با توجه به غایت زیبایی آفرینی اش در زمین، از درگاه خداوند درخواست شده است: «اللهم أنزل علينا في أرضنا زينتها» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ۷/۲۷۳): پروردگارا! بر زمین ما، باران را که موجب زینت آن است، فرو فرست. با این حال، درخواست این زینت‌ها در محدوده اموری نیکو است که زیبایی پایدار را برای آدمی به ارمغان آورده و آفتی را دامن‌گیر او نکند؛ چنان‌که در نامه امیر مؤمنان به امام حسن علیه السلام آمده است:

وَرَبِّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا تُؤْتَاهُ وَأُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجَلًا أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرَبِّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكٌ دِينِكَ لَوْ أُوتِيَتْهُ فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتَكَ فِيَمَا بِيَقِي لَكَ جَمَالُهُ وَيُنْفِي عَنْكَ وَبَالُهُ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ (سید رضی، ۱۳۸۸ ش، نامه ۳۱، ص ۴۷۵):
چه بسا چیزی را خواسته‌ای و به تو ندهند، ولی بهتر از آن را در دنیا یا آخرت به تو می‌دهند و یا صلاح‌ت در آن بوده که آن را از تو دریغ دارند. چه بسا چیزی از خداوند بخواهی که اگر عطایت کند، موجب تباهی دینت شود. پس همیشه از خداوند چیزی را طلب کن که زیبایی اش برایت بماند و وبالش از تو دور باشد که نه ثروت برای تو می‌ماند و نه تو برای ثروت می‌مانی.

۵- تحذیر از زینت دنیا

به موازات دعوت به بهره‌گیری از زینت‌ها، تحذیر از زینت دنیا نیز به دفعات در آیات و روایات قابل مشاهده است. طرح این تحذیر با شیوه‌های گوناگون همچون نهی مستقیم از فریفتگی به آن، ذکر مثل برای نشان دادن فریبندگی این زینت‌ها، دعا برای در امان ماندن از آن و ... نشان‌دهنده اهمیت این مسئله است. قالب‌هایی که در متون دینی برای این تحذیر استفاده شده، در این موارد قابل بیان است:

۵-۱- امر به پرهیز از زینت دنیا: برای نمونه امام سجاد علیه السلام در مقام امر به پرهیز از زینت دنیا می‌فرماید: «فاحذروا زهرة الحياة الدنيا وغرورها وشورورها وتذكروا ضرر عاقبة الميل إليها فإن زينتها فتنة وحبها خطيئة» (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۲۷۳): از شکوفه‌های زندگانی دنیا و فریب‌ها و بدی‌هایش بپرهیزید و ضرر سرانجام تمایل به آن را به خاطر آورید؛ چراکه زینت دنیا مایه آزمایش و دوست داشتن آن خطا است.

۵-۲- تشبیه: قرآن کریم در مقام نهی از زینت دنیا، در قالب نهی از چشم دوختن به

شکوفه‌های زیننده این حیات پست که در دست کافران است، می‌فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (طه: ۱۳۱): «و هرگز چشمانت را خیره مکن به آنچه گروه‌هایی از ایشان را بدان بهره‌مند کردیم درحالی که شکوفه‌های زندگی پست (دنیا) است تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.» در تشبیهی دیگر، زندگی دنیا به زینتی فریبا مانند شده است؛ همچون بارانی که گیاهان بسیار برویاند و کفار را به شگفت آورد، اما دیری نپاید که آنان را به خزان نیستی نشانده و به عذابی سخت گرفتار آورد:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید: ۲۰): بدانید که زندگی پست (دنیا) بازی و سرگرمی و زیور و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند مثال بارانی که گیاهانش کشاورزان را به شگفت آورد، سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی سپس درهم شکسته می‌شود؛ و در آخرت عذابی شدید و آمرزشی از جانب خدا و خشنودی (او) است؛ و زندگی پست (دنیا) جز کالای فریبنده نیست.

همچنین در روایتی که حکایتگر مکاشفه‌ی حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است، زینت دنیا به زیور فریبای عجوزه‌ای تشبیه شده است: دنیا را در چهره‌ی عجوزه‌ای بی‌دندان که خود را به همه‌گونه زینت آراسته بود، مشاهده کردم. گفتمش چند همسر کرده‌ای؟ گفت از فراوانی شمارشان از کف داده‌ام. گفتم آیا در ازدواج با تو مردند یا تو را طلاق گفتند؟ گفت بلکه همه‌شان را کشته‌ام. گفتم وای بر همسران بازمانده‌ات؛ چگونه از پیشینیان عبرت نمی‌گیرند؟! (ورام، بی تا ۶۹/۱)

۳-۵- دعا: امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام در قالب دعا، داعی را از فریب زینت‌ها و آفات آن به پناه الهی فراخوانده است؛ در مناجات الزاهدین آمده است: «بِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْإِعْتِرَارِ بِرِخَارِفِ زِينَتِهَا فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طَلَبُهَا الْمُتْلِفَةُ حَلَالُهَا الْمَحْشُوءَةُ بِالْآفَاتِ الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱۵۲/۹۱): از فریب خوردن به زینت‌های دروغین دنیا به تو پناه می‌آوریم؛ چراکه خواهان خود را هلاک می‌سازد، روادارنده‌ی خود را نابود می‌گرداند و آکنده از آفات و سرشار از بلااست.

۴-۵- وعید نسبت به اراده زینت‌ها: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ

فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يَبْخَسُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (هود: ۱۶-۱۵) «کسانی که زندگی پست (دنیا) و زیور آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در این (دنیا) بطور کامل به آنان می‌دهیم و به آنان در این (دنیا) کم داده نخواهد شد. آنان، کسانی هستند که در آخرت، برایشان، جز آتش نیست! و آنچه را در این (دنیا) با زیرکی ساختند تباہ شد و آنچه را همواره انجام می‌دادند، باطل است.» در نتیجه، آن‌کس که خواهان حیات اخروی است، ناچار از رها کردن زینت دنیا است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... ومن أراد الآخرة فليدع زينة الحياة الدنيا» (حمیری، بی‌تا، ۱۳): هرکه خواهان آخرت است، باید زینت زندگی دنیا را رها سازد.

۵-۶- بیان نمادین: از چهار پرنده‌ای که حضرت ابراهیم علیه السلام به ذبح آن‌ها فرمان یافت، (بقره: ۲۶۰) طاووس نماد زینت دنیا شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ۱/۲۶۵)؛ در نتیجه، دستور به ذبح این حیوان را می‌توان نمادی از دعوت به ترک زینت‌های دنیا شمرد. همچنین روز هفتم ذی‌الحجه «یوم الزینة» نام‌گرفته است، طبق یکی از اقوال مطرح شده در وجه تسمیه این روز، دلیل این نام‌گذاری آن است که در این روز، شتران قربانی را زینت می‌کنند؛ (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ ق، ۵/۱۶۹) رفتن زینت به قربانگاه را می‌توان نمادی از دعوت به ترک آن دانست.

۵-۷- استفاده از گزاره‌های اخلاقی: در برخی روایات، ترک زینت دنیا نتیجه یا زمینه برخی فضایل اخلاقی شمرده شده است؛ برای نمونه، آن را از لوازم رعایت حق حیاء از خداوند شمرده‌اند: «مَنْ ... وَتَرَكَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَحَى مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، ۱/۲۴۷): «آنکه زینت حیات دنیا را رها کند، حق حیاء الهی را بجا آورده است.» و یا یکی از راه‌های دستیابی به حقیقت ایمان ترک زینت‌های دنیا دانسته شده است: «مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ خَالِصَ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ شُغِلَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا مِنْ زِينَتِهَا إِنَّ زِينَةَ الدُّنْيَا إِنَّمَا هُوَ لَعِبٌ وَلَهُوَ» (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ۲۸۷): «هرکس که حقیقت خالص ایمان به قلب او وارد شود، از زینت‌های دنیا روی‌گردان می‌شود. همانا که زیبایی شکوفه‌های دنیا، بازیچه و سرگرمی است.» نیز در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله ترک زیادی زینت دنیا راه وصول به بالاترین مراتب زهد در دنیا خوانده شده است: «فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ فَقَالَ مَنْ لَمْ يَنْسِ الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى

وَتَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا...» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ۴۶۳): گفتم ای رسول خدا! زاهدترین مردم کیست؟ فرمود آن کس که قبر و بلاها را فراموش نکند و زیادی زینت دنیا را رها کند.

۵-۸- بهره‌گیری از سیره رسول الله ﷺ: در بیانی بالغ و جامع از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در یادآوری سیره رسول گرامی اسلام ﷺ آمده است: پیامبر ﷺ بر روی زمین غذا می‌خورد و همچون بندگان می‌نشست و با دست خود کفشش را وصله می‌زد و پارگی جامه‌اش را می‌دوخت. بر الاغ برهنه می‌نشست و کسی را نیز پشت سر خود می‌نشاند. پرده‌ای با نقش و نگار بر در خانه‌اش آویخته بود، به یکی از همسرانش فرمود: «ای فلانی! این پرده را از جلوی چشمم دور کن، که هرگاه آن را می‌بینم به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم. پیامبر ﷺ دل خویش را از دنیا کنده و به آن پشت کرده و خاطره آن را در ذهنش کشته بود و دوست داشت زینت و زیور دنیا از دیده‌اش دور باشد تا از آن جامه فاخر برنگیرد، جایگاه قرار و آرامشش نداند و به ماندن در آن امیدوار نگردد. دنیا را از دل خویش بیرون کرد، از قلبش دور ساخت و از دیده‌اش پنهان نمود. آری، کسی که چیزی را دشمن داشته باشد، از اینکه آن را بنگرد و نزدش از آن یاد شود نیز بیزار است. در سیره رسول خدا ﷺ آموزه‌هایی وجود دارد که بدی‌ها و عیب‌های دنیا را به تو نشان می‌دهد، زیرا پیامبر ﷺ و خانواده‌اش در دنیا گرسنه بودند و با تقرب فراوانش به درگاه احدیت، زینت و زیور دنیا از او دور شده بود... (سید رضی، ۱۳۸۸ ش، خ ۱۶۰، صص ۲۷۲-۲۷۳. نیز ر.ک: خ ۱۰۹، ص ۱۸۸).

در میانه این تشویق و تحذیر است که زینت‌ها ابزاری برای آزمون معرفی شده‌اند. چه اینکه هیچ نعمتی در دنیا فی‌نفسه مدنظر نیست؛ بلکه همواره در وراء تنعم آدمی، هدفی بالاتر نهفته است. زیبایی نیز چنین است؛ خداوند انسان را هشدار می‌دهد که این نعمات زیبا، زیور زمین است و نه زینت وجود تو: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷): در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارتر است.

زینت قرار دادن هر آنچه بر زمین است، از آن روست که انسان را بیازماید؛ آیا او این زیبایی‌ها را زینت خود پنداشته و برای رسیدن به آن می‌کوشد و یا زیبایی حقیقی خویش را یافته و در انجام زیباترین اعمال تلاش می‌کند. نه تنها زینت قرار دادن آنچه بر زمین است، بلکه آفرینش

مجموعه نظام هستی به همین منظور است؛ علامه طباطبایی در انتهای بحث از تفسیر آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود: ۷) می‌نویسد: با این بیان روشن می‌شود که برترین فرد انسانی غایت خلقت آسمان‌ها و زمین است. جمله «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» نشان می‌دهد آنکه عملش از دیگران زیباتر است، مقصود خلقت است و به این ترتیب معنای حدیث قدسی خداوند خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که: «لولاك لما خلقت الأفلاك» روشن می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۰/۱۵۲).

۶- آفات زینت‌ها

۶-۱- معقول

ابزار درک این‌گونه زیبایی، عقل است؛ لذا انتظار می‌رود در ادراک این نوع زیبایی، تفاوت چندانی بین انسان‌ها نباشد؛ اما اگر در تشخیص زشتی و زیبایی کلیات اصول اخلاقی اختلافی پیش آمد، نمی‌توان آن را ناشی از جهل، کمبود علم و یا جهان‌بینی ناقص افراد دانست، بلکه این حربه‌ای شیطانی است که با کمک نفس آدمی، عقل را از فرمانروایی جان به زیر می‌کشد و هوس را جانشین او می‌کند. این بزرگ‌ترین آسیب در درک زیبایی‌های معقول است.

نفوذ شیطان در جان آدمی گاهی به صورت غفلت و نسیان ظاهر می‌شود؛ چنان‌که صورت چیزی را که باید درباره‌ی سود و زیان آن اندیشه کند، از ذهنش کنار می‌زند و انسان را از آن غافل می‌کند. گاه نیز صورت ذهنی حاضر نزد انسان را با اینکه به ضرر اوست، به نفع وی جلوه می‌دهد که در آیات قرآن، هم به عنوان «تزیین» از آن یاد شده است: «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (نمل: ۲۴): «و شیطان کارهای آنان را برایشان آراست». و هم به عنوان «تسویل» و املائی شیطان: «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ» (محمد: ۲۵): «شیطان (اعمال زشت را) برای آنان آراست و آنان را به آرزوهای دراز انداخت»؛ و گاه مبتلای به آن، جاهل مرکب (کسی که نمی‌داند که نمی‌داند، یا می‌پندارد که می‌داند) مطرح شده است: «هُمُ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف: ۱۰۴): «درحالی‌که آنان می‌پندارند که ایشان کار زیرکانه‌ای را نیکو انجام می‌دهند» (جوادی آملی، ۱۳۸۲ ش، ۳/۳۹۴).

«تزیین» مصدر باب تفعیل از ریشه «زین» است. گفته می‌شود «زینه» هنگامی که زیبایی‌اش را با فعل و یا قول آشکار کرده باشد. خداوند گاهی تزیین را به خود و گاه به شیطان نسبت داده و در مواضعی نیز فاعل آن را ذکر نکرده است. تزیین خداوند به این صورت است که اشیاء را به صورت زیبا ابداع و ایجاد کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۳۸۹-۳۹۰)؛ اما تزیین امور توسط شیطان، از طریق تصرف در اندیشه و خیال اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ش، ۳/۳۹۴).

خیال نوعی جهت‌بخشی به سمت غیرواقعی کردن پدیده‌ها، دردو غایت خوب یا بد دارد. درواقع، خیال به منزله وزیر تملق‌گویی است که هرچه را سلطان بپسندد، با فریبندگی می‌آراید و رنگی از مطلوبیت‌ها یا عدم مطلوبیت‌های توهمی به آن می‌دهد. در صورت اعتماد ذهن به خیال، ادراک از حقیقت فاصله می‌گیرد. اگرچه این فاصله متغیر است، اما به تدریج گسترش می‌یابد. ذهن خیالات را واقعیات می‌پندارد و به اصل واقعیات بی‌اعتنا می‌شود و نسبت به دنیای عینی تردید می‌کند (جوادی، ۱۳۷۶، ش، ۵۸)؛ لذا در صورت خروج خیال از سلطه عقل سلیم، این نعمت الهی به وسیله‌ای برای نفوذ شیطان بدل می‌شود؛ شیطان آرزوها و خیالاتی را برای انسان مطرح می‌کند: «وَلَا مَتَّبِعْتَهُمْ» (نساء: ۱۱۹) و چیزهایی را در نظرش زینت می‌دهد که زینت زمین است، نه زینت قلب و جان انسان: «لَا زِينَةَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» (حجر: ۳۹). زینت جان انسان، ایمان به خدای سبحان است: «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۷) (جوادی آملی، همان).

تزیین هم در حوزه فردی مطرح است و هم در حوزه جمعی. گاهی یک فرد دچار تزیین می‌شود؛ مانند تزیین اعمال فرعون در نگاه او: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءِ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ» (غافر: ۳۷): «و این‌گونه برای فرعون بدی کردارش آراسته‌شده بود و از راه (راست) بازداشته شد» چنین فرد خودمحوری، اصالت را به خود و خواسته‌هایش می‌دهد و وقتی به زشتی عملی که قصد انجام آن را دارد برمی‌خورد، سوار بر مرکب خیال، صورتی زیبا از آن ساخته و آن را توجیه می‌کند. این همان عُجب یا خودپسندی است. از امام رضا علیه السلام دربارهٔ عُجب که باعث فساد عمل است پرسیده شد و آن حضرت فرمود: «العجب درجاتٌ منها أن يزین للعبد سوء عمله فیراه حسناً فیعجبه ویحسب أنه یحسن صنعاً...» (کلینی، ۱۳۶۵، ۲/۳۱۳)

اما گاه یک اجتماع دچار تزیین می‌شود؛ همانند قوم سبأ: «وَجَدْتُمْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴): «او و قومش را یافتم درحالی‌که برای خورشیدی که غیر از خداست، سجده می‌کنند؛ و شیطان کارهای آنان را برایشان آراست و آنان را از راه (خدا) بازداشت؛ و آنان رهنمون نمی‌شوند.» در چنین فضایی، اعمال زشت به هنجار و قانون آن جمعیت تبدیل می‌شود. نزدیک به چیزی که در روانشناسی اجتماعی، از آن به «قوم‌مداری»^۱ تعبیر می‌شود. جامعه‌ای که انگاره‌ها و هنجارهای خودی را برترین می‌داند و از دیدگاه ارزش‌های اجتماعی درونی شده خودش به داوری ارزش‌های دیگر جوامع می‌پردازد. در واقع، قوم‌مداری ارزش‌ها و منافع گروه خودی را میزان سنجش حق و ناحق بودن ارزش‌ها و منافع گروه‌های غیرخودی قرار می‌دهد» (رک: نیک‌گهر، ۱۳۸۳ ش، ۱۴۰)

۶-۲- محسوس

۶-۲-۱- غفلت زایی و دوری از یاد خدا

هدف قرار دادن زینت زندگی دنیا، با ذکر و یاد خدا و رضای او سازگار نیست: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف: ۲۸): و خودت را باکسانی شکیبا ساز که بامدادان و عصرگاهان پروردگارش را می‌خوانند، درحالی‌که ذات او را اراده می‌کنند و دیدگانت را از آنان برمیگیر، درحالی‌که زیور زندگی پست (دنیا) را خواهانی؛ و از کسی پیروی مکن که قلبش را از یادمان غافل ساختم و از هوسش پیروی کرده و کارش زیاده‌روی است.

طبق نقل مفسران، آیه درباره سلمان فارسی نازل شده است. او در روزی بسیار گرم ردایی پشمین به تن داشت. عیینه بن حصین نزد پیامبر ﷺ آمد و سلمان نزد او بود. عیینه از بوی ردای سلمان که به خاطر گرمای بسیار در آن عرق کرده بود، ناراحت شد و گفت: ای رسول خدا! هنگامی‌که ما نزد تو می‌آییم، او را بیرون کن و نگاه‌که ما رفتیم، هر که را که خواستی، راه بده؛ و خداوند این آیه را نازل نمود (قمی، ۱۳۶۷ ش، ۲/۳۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ ق، ۲/۳۴۴).

۱. Ethnocentrism

طبرسی براساس این سبب نزول، مصداق زینت دنیا در این آیه را علاقه پیامبر ﷺ به ایمان آوردن رؤسای مشرکان می‌شمارد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۶/۷۱۸) البته همان‌گونه که علامه نیز اشاره کرده است، لازمه این روایت مدنی بودن این دو آیه است اما سیاق آیات این مسئله را تأیید نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۳/۳۰۶). به هر حال دلالت آیه بر ناهماهنگی زینت‌های دنیا با یاد خدا و رضای او، آشکار است. از این روست که یکی از ویژگی‌های ستودنی مؤمنان را فراموش نکردن یاد خداوند در اثر دیدار زینت‌های دنیا دانسته‌اند:

«كَانَ الْمُؤْمِنِينَ هُمْ الْفُقَهَاءَ أَهْلُ فِكْرٍ وَعِبْرَةٍ لَمْ يَصْمَهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ مَا سَمِعُوا بِآذَانِهِمْ وَلَمْ يَعْمِهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۲/۱۳۲): گویا که مؤمنان، همان ژرف اندیشان اهل تفکر و پند گیری هستند که آنچه با گوش‌هایشان می‌شنوند، آن‌ها را از یاد خداوند کر نمی‌سازد و زینت‌هایی که با چشم می‌بینند، آن‌ها را از یاد پروردگار کور نمی‌سازد. و ما را آموخته‌اند که به دعا بخوایم: «... وَلَا تُشْغَلْنِي عَنْ ذِكْرِكَ يَا كِتَابَ مَنْ الدُّنْيَا تُلْهِبِنِي عَجَائِبَ بَهْجَتِهَا وَتَفْتِنُنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۲۰۳/۹۸): ... و مرا با زیاده دنیا، از یاد خود غافل مکن؛ چنان‌که شگفتی زیبایی‌های سرور انگیزش مرا سرگرم سازد و شکوفه‌های زیبایش مرا در فتنه اندازد.

۶-۲-۲- بازداری انسان از امور سودمندتر

دل‌بستگی به زینت دنیا، انسان را از اموری که برای او سودمندتر است، باز می‌دارد. در یکی از نامه‌های امیرمؤمنان علیه السلام به معاویه آمده است: «فإن الدنيا حلوة خضرة ذات زينة وبهجة لم يصب إليها أحد إلا وشغلته بزینتها عما هو أنفع له منها» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، ۱۶/۱۵۳): دنیا گوارا، خرم و دارای زینت و سرور است. هیچ‌کس به آن گرایش پیدا نکرد، مگر آنکه دنیا به وسیله زینت‌هایش، وی را از آنچه برایش سودمندتر بود، غافل نمود.

۶-۲-۳- فریبندگی و ایجاد زمینه‌های فریب

روایات زیادی در مقام هشدار نسبت به فریبندگی زینت‌های دنیا وارد شده است؛ به عنوان نمونه، در مناجات خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است: «یا موسی... وَلَا تَغْرُزَنَّكَ زِينَةُ الدُّنْيَا

وَزَهْرَتُهَا» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۸/۴۹): ای موسی! زینت دنیا و شکوفه‌های آن، تو را نفریبد. نیز در زمره نصایح رسول الله ﷺ، آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ يَا كُمْ وَخَصْرَاءَ الدِّمَنِ قَيْلًا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا خَصْرَاءَ الدِّمَنِ قَالَ الْمَرْءُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ الشَّوْءِ» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ۷/۴۰۳): ای مردم! از سبزه مزبله بپرهیزید. گفتند: ای رسول خدا سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده بد رشد کند. آنچه در این روایت مورد نهی قرار گرفته، مطلق زینت‌های ظاهری نیست. بلکه زینتی است که پوشاننده زشتی درون باشد و موجب فریب آدمی گردد.

نه تنها توجه به زینت‌های دنیا موجب فریب آدمی است، بلکه همراه داشتن زینت‌های عَرَضِي در غیر ضرورت و دل‌بستگی به آن‌ها، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که دیگران در فریب آدمی طمع ورزند؛ برای نمونه، قوم حضرت موسی ﷺ با وجود اینکه باعجله در حال گریز از چنگ فرعون بودند، بارهایی سنگین از زینت فرعونیان را نیز با خود همراه کردند؛ حال آنکه بدان همه نیازمند نبودند و این زمینه فریب آن‌ها را فراهم نمود: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ» (طه: ۸۷): «گفتند: به اختیار خود با تو خُلف وعده نکردیم ولیکن بارهای سنگینی از زیور قوم (فرعون) بر ما نهاده شده بود و آن‌ها را افکندیم؛ و سامری چنین القا کرد». این زینت‌ها، توسط سامری به بتی بدل شد که چند صباحی عبادت بنی اسرائیل را برانگیخت: «وَأَخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ» (اعراف: ۱۴۸): و قوم موسی بعد از (رفتن) او، از زیورهایشان مجسمه گوساله‌ای که صدای گاو داشت (ساختند و به عنوان معبود) برگزیدند.

۶-۲-۴- زوال‌پذیری

زوال‌پذیری، آفتی قرین با زینت دنیاست. در آیاتی از قرآن، با زبان تمثیل به جریان کسی اشاره می‌شود که چندان به پایداری آنچه در دست داشت مطمئن بود که به وادی شرک لغزید و به کيفران، زینت‌هایش را بر باد رفته دید:

«وَأَصْرَبُ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا. كَلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا. وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفْرًا. وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا. وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ

قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا... وَأُحِيطُ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يَقْدِبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا» (کهف: ۴۲-۳۲): و (ای پیامبر) برای آنان مثلی بزن: دو مردی که برای یکی از آنها، دو بوستان از (انواع) انگورها قرار دادیم و گردگرد آن دو (بوستان) را با درخت خرما [پوشانیدیم] و در بین آن دو (بوستان) کشتزاری قرار دادیم. هر دو بوستان، میوه‌هایش را (به بار) آورد و چیزی از آن نکاست و میان آن دو (بوستان) نهری شکافتیم؛ و برای آن (صاحب باغ) فایده‌ای بود و به همراهش - در حالی که او با وی گفتمان داشت - (چنین) گفت: «من از نظر ثروت از تو بیشتر [دارم] و از جهت نفرت شکست ناپذیرترم.» و در حالی که او نسبت به خویشتن ستمکار بود، داخل بوستانش شد، [و] گفت: گمان نمی‌کنم که هرگز این (بوستان) نابود شود؛ و گمان نمی‌کنم ساعت (رستاخیز) برپا گردد و اگر به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، قطعاً بازگشتگاهی بهتر از این (بوستان) خواهم یافت... و میوه او (با عذابی نابود کننده) احاطه شد و به خاطر آنچه در مورد آن (بوستان) هزینه کرده بود، دو کف (دست) ش را می‌گردانید (و از پشیمانی به هم می‌مالید).- در حالی که آن (بوستان) بردار بست‌هایش فرو ریخته بود- و می‌گفت: ای کاش من هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نداده بودم!

داستان قارون نیز در این زمینه قابل توجه است؛ او در آنچه خدا روزی‌اش کرده بود، به جستجوی سرای آخرت نبود؛ بلکه فرحمندانه از آن بهره می‌گرفت و فخر می‌کرد و در نهایت نه تنها زینت‌هایش، که خود نیز همراه با آن‌ها در زمین فرورفت (رک: قصص: ۸۳-۷۶). در برخی از آیات نیز بعد از ذکر مصادیقی از زینت‌ها، به برتری عمل صالحی که برای انسان باقی بماند، اشاره شده است: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (کهف: ۴۶): ثروت و پسران، زیور زندگی پست (دنیا) ست و (کارهای) ماندگار شایسته نزد پروردگارت از نظر پاداش بهتر و امیدبخش‌تر است (نیز رک: قصص: ۶۰). این تقابل، نشان‌دهنده ناپایداری زینت‌های دنیوی است. در همین زمینه از امام علی عليه السلام نقل شده است: «مَا لَكُمْ وَالِدُنْيَا فَمَتَاعُهَا إِلَىٰ انْقِطَاعِ وَفَخْرُهَا إِلَىٰ وَبَالٍ وَزِينَتُهَا إِلَىٰ زَوَالٍ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱۹/۷۵): شما را با دنیا چه کار که بهره‌هایش قطع شدنی، فخرش وبال آور و زینتش نابود شدنی است. آن حضرت نه تنها زینت‌های دنیا را روبه زوال می‌داند، بلکه رغبت در آن را باعث

از دست دادن بقائی که انسان همیشه خواهان اوست، دانسته است: «من رغب فی زخارف الدنيا فاته البقاء المطلوب» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ۱۴۱).

۶-۲-۵- اعجاب و بزرگ‌شماری

منظور از اعجاب در برابرزینت‌ها، بزرگ‌پنداری و شگفت‌زدگی در برابرزینت‌های دنیاست؛ حالتی نفسانی است که در اثر رأی و استحسان شخصی و با کمک وهم و خیال پایه‌ریزی شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱۱/۱۵۳). بزرگ‌شماری زینت دنیا، مذموم است. حال این زینت در دست هر که باشد. در روایتی از حضرت علی علیه السلام، اعجاب در برابرزینت‌ها یکی از چهار رکن شبهه معرفی شده است (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ۲/۳۹۱). از مواردی که خداوند مؤمنان را از شگفت‌زدگی در برابرزینت‌هایی چون مال و فرزندان زیاد کافران بر حذر داشته است، می‌توان به این آیه اشاره کرد: «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ» (توبه: ۵۵): و (فزون‌ی) اموالشان و فرزندان آنان، تو را به شگفت‌نی‌آورد جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن [ها] در زندگی پست (دنیا) عذابشان کند و جان‌هایشان برآید در حالی که آنان کافرند (نیز.ک: توبه: ۸۵).

نهی از اعجاب به زینت‌های کفرپیشگان را از آن رو بیشتر شاهدیم که کفر و غفلت پیشگی، زینت‌ها را به زینت حیات دنیا بدل می‌کند. چه اینکه هنگامی که خداوند موسی و هارون (علیهما السلام) را به سوی فرعون گسیل داشت، به آن‌ها گفت: «بهره‌های او از شکوفه‌های این حیات پست و زینت‌های متنعمان، شما را به شگفتی نیندازد. اگر می‌خواستم، زینت‌هایی به شما ارزانی می‌داشتم که فرعون با دیدن آن‌ها دریابد که قدرتش از آن‌ها عاجز است ولیکن آن را از شما دور گرداندم و من، با دوستانم چنین می‌کنم» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ ق، ۱۵۹).

۶-۲-۶- دوری از پیامبر و مؤمنان

یکی از آفات هدف قرار دادن زینت‌ها، دور شدن از پیامبر خداست. چه اینکه خداوند رسولش را فرمان می‌دهد که از همسرانش بخواهد میان زندگی با او و خواستن زینت‌های دنیا، یکی را برگزینند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمَتَّعَنَّ

وَأَسْرَحَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب: ۲۸): ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر همواره زندگی پست (دنیا) و زیور آن را می‌خواهید پس بیایید تا شما را بهره‌مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها سازم.

توجه به زینت‌های دنیا، انسان را از همراهی با مؤمنان نیز محروم می‌کند؛ چنان‌که قرآن کریم، خواستن زینت دنیا را موجب دوری از مؤمنانی که در پی رضای خداوند هستند، دانسته است: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۲۸): و خودت را با کسانی شکیبا ساز که بامدادان و عصرگاهان پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که ذات او را اراده می‌کنند و دیدگانت را از آنان بر مگیر، در حالی که زیور زندگی پست (دنیا) را خواهانی.

۶-۲-۷- عصیان پیشگی

در گفتاری از امیرالمؤمنین علیه السلام، یکی از خصلت‌های هشت‌گانه‌ای که برای رهبری امت لازم است، زهد نسبت به دنیا و زیبایی‌های فریبنده آن دانسته شده است: «... فَإِنَّهُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَزْهَدَ النَّاسِ... لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا وَزُخْرُفِهَا دَخَلَ فِي الْمَحْظُورَاتِ مِنَ الْمَعَاصِي» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۴۳/۹۰): واجب است که [رهبر] زاهدترین مردم باشد؛ چراکه اگر وی نسبت به دنیا و زیبایی‌های فریبنده آن زاهد نباشد، به فعل حرام دچار می‌شود.

زهد نسبت به زینت‌ها، برای رهبر امت ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا آن‌کس که به نفوذ و قدرتی دست‌یافت، بدون زهد، با سرعت بیشتری به سمت محارم و گناهان سوق می‌یابد. خداوند بلافاصله پس از اشاره به ماجرای قارون می‌فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳): آن سرای آخرت است که آن را برای کسانی قرار می‌دهیم که هیچ برتری و فساد در زمین نمی‌خواهند و فرجام (نیک) برای پارسایان (خود نگهدار) است.

۶-۲-۸- اضلال دیگران

زینت حیات دنیا نه تنها موجبات گمراهی خود انسان را فراهم می‌آورد، بلکه گاه باعث به

بیراهه کشاندن دیگران نیز می‌شود؛ چنان‌که فرعونیان به همین واسطه همت به اضلال دیگران گماشته بودند: «وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ» (یونس: ۸۸): «و موسی گفت: [ای] پروردگار ما! به راستی که توفرعون و اشراف او را زیور و اموالی در زندگی پست (دنیا) داده‌ای ای پروردگار ما! (آنان) درنهایت (مردم را) از راه تو گمراه می‌سازند.» نیز به همراه داشتن این زینت، زمینۀ اغواگری سامری را برای بنی اسرائیل فراهم آورد: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ» (طه: ۸۷): گفتند: به اختیار خود با تو خُلف وعده نکردیم ولیکن بارهای سنگینی از زیور قوم (فرعون) بر ما نهاده شده بود و آن‌ها را افکندیم؛ و سامری چنین القا کرد. گمراه‌کنندگی، در روایات نیز یکی از صفات زینت‌های دنیا خوانده شده است: «وزخارفها مضلة» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۲۹).

۶-۲-۹- تعقل‌گریزی

توجه زیاد به زینت‌های عَرَضی، انسان را از به‌کارگیری عقل و اندیشه ملول می‌کند. خداوند بعد از اشاره به بت شدن زیورهای بنی اسرائیل، با لحنی توبیخ آمیز می‌فرماید: «الَّذِينَ يَرَوْنَ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يُهَدِّيهِمْ سَبِيلًا أَخْذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ» (اعراف: ۱۴۸): «آیا نظر نکردند، که آن [گوساله] با آنان سخن نمی‌گوید و به هیچ راهی راهنمایی‌شان نمی‌کند؟! آن [گوساله] را (به‌عنوان معبود) برگزیدند و ستمکار بودند.» گویی توجه زیاد بنی اسرائیل به زینت‌ها، آن‌ها را از به‌کار بستن همین اندازه از اندیشه بازداشته بود. این ثابت می‌کند که برخورد زیاد با زینت‌های خارجی، برای عقول ضعیف خطرآفرین است؛ چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «زخارف الدنيا تفسد العقول الضعيفة» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۶۵): زینت‌های دروغین دنیا، عقل‌های ضعیف را فاسد می‌گرداند.

نیز برخورد زیاد با این زینت‌ها، باعث تضعیف قوه تعقل فرد می‌شود و او را از سخن گفتن بر اساس برهان و استدلال دور می‌کند: «أَوْ مَنْ يَنْسُو فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْحِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ» (زخرف: ۱۸): و آیا کسی را که در زیور، پدید آمده (و پرورش یافته) و او در کشمکش (ها، بیان) روشن‌نگر ندارد (فرزند خدا می‌خوانید)؟! (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۹۰/۱۸) به همین دلیل، بازداری نفس

از زیبایی‌های دروغین، از ثمرات عقل شمرده شده است: «ردع النفس عن زخارف الدنيا ثمره العقل» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۴۱).

۶-۲-۱۰- تبرج به زینت

یکی از آسیب‌هایی که در مورد زیبایی‌های زن مطرح می‌شود، تبرج به زینت است. مقصود از این اصطلاح آن است که زن زینت‌های خود را در جایگاهی غیر از محیط خانواده آشکار نماید. «تبرج» دارای دو اصل معنایی «بروز و ظهور» و «پناهگاه» است. تبرج به این معنا که زن زینت‌های خود را آشکار کند، از اصل اول گرفته شده است (ابن فارس، ۱۴۲۳ ق، ۱/۲۲۶).

قرآن کریم محدوده آشکار شدن زینت‌های زن را در محیط خانواده و در اجتماع معین نمود (رک: نور: ۳۱) و آن‌ها را از آشکار کردن زینت‌ها - همان‌گونه که در دوره جاهلیت مرسوم بود - بر حذر داشت: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳): «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و همانند خودآرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (بازیورها) خودنمایی نکنید.» حتی زنان سالخورده را در صورتی به برگرفتن پوششی سبک‌تر اجازه داد که به تبرج به زینت نینجامد: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۶۰): «و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند، پس هیچ گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رسمی) خود را فرونهند، درحالی‌که با زیور خودآرایی نکنند و خویشتن‌داری آنان برایشان بهتر است و خدا شنوای داناست.»

نتیجه

زینت‌ها در هر دو دسته محسوس و معقول دارای آسیب‌هایی هستند. مهم‌ترین آسیب زینت‌های معقول، رهزنی شیطان و تزیین و تسویل زشتی‌ها در نظر انسان است؛ اما تمرکز بیشتر این مقاله بر زینت‌های مادی است. گرچه استفاده از این زیبایی‌ها مورد تشویق این نصوص بوده است، اما هم‌زمان تحذیر از آن با شیوه‌های بیانی متعدد نیز مورد توجه بوده است. آزمون شمردن زینت‌ها را می‌توان راهی برای جمع میان این تشویق و تحذیر دانست. نحوه

یادکرد زینت‌ها به هنگام تشویق بیشتر به عنوان نعمتی الهی و موجب توجه به خدا بوده است، حال آنکه به هنگام تحذیر، با قرین شدن به حیات دنیا، به مرتبه‌ای نازل مخصوص شده است که در ورای آن امری والاتری قرار ندارد. آسیب‌های مطرح شده برای توجه بیش از اندازه به زینت‌ها، نشان‌دهنده دلیل این تحذیرهای مؤکد و وجه این آزمون است. این آسیب‌ها عبارت‌اند از: غفلت‌زایی و دوری از یاد خدا، بازداری انسان از امور سودمندتر، فریبندگی و ایجاد زمینه‌های فریب، زوال‌پذیری، اعجاب و بزرگ‌شماری، دوری از پیامبر و مؤمنان، عصیان‌پیشگی، اضلال، تعقل‌گریزی و تبرج.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه محمد علی رضایی اصفهانی.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ ق)، شرح نهج البلاغة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
 ۲. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللالی، قم: انتشارات سید الشهداء علیه السلام.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
 ۴. ابن فارس، احمد (۱۴۲۳ ق)، مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی جا: اتحاد الکتاب العرب.
 ۵. ابن فهد حلّی، احمد (۱۴۰۷ ق)، عدة الداعی، دارالکتاب الاسلامی.
 ۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ ق)، البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر.
 ۷. افراسیاب پور، علی اکبر (۱۳۸۰ ش)، زیبایی پرستی در عرفان اسلامی، تهران: طهوری.
 ۸. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶ ش)، غررالحکم ودرر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
 ۹. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، احکام القرآن، تحقیق: محمدصادق قمحوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۱۰. جعفری، محمدتقی (بی تا)، زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام، بی جا: وزارت ارشاد اسلامی.
 ۱۱. جوادی، محمدرضا (۱۳۷۶ ش)، خاستگاه روح در زیبایی و هنر برین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵ ش)، هنر و زیبایی از منظر دین، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
 ۱۳. ----- (۱۳۸۲ ش)، تسنیم، قم: اسراء.
 ۱۴. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
 ۱۵. حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق)، الجامع للشرائع، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
 ۱۶. حمیری، عبدالله بن جعفر (بی تا)، قرب الإسناد، تهران: کتابخانه نینوی.

۱۷. خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی؛ ابراهیم سامرائی، قم: هجرت.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق-بیروت: دارالعلم-الدار الشامیه.
۱۹. سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶ ق)، بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
۲۰. سید رضی (۱۳۸۸ ش)، نهج البلاغه، ترجمه: علی شیروانی، قم: نسیم حیات.
۲۱. صدیق، حسین (۱۴۲۳ ق)، فلسفه الجمال ومسائل الفن عند ابی حیان التوحیدی، حلب: دار القلم العربی-دار الرفاعی.
۲۲. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
۲۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق)، مکارم الأخلاق، قم: انتشارات شریف رضی.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. ----- (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف (بی تا)، تذکره الفقهاء (ط-القدیمه)، بی جا.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ ش)، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب.
۳۱. کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۰ ش)، تاریخ فلسفه، ترجمه: جلال الدین مجتوبی، تهران: سروش.
۳۲. کروچه، بندتو (۱۳۸۱ ش)، کلیات زیباشناسی، ترجمه: فؤاد روحانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۵. ----- (۱۴۰۶ ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ ش)، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا.
۳۸. معین، محمد (۱۳۸۲ ش)، فرهنگ فارسی معین، تهران: سی گل.
۳۹. نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۸۳ ش)، مبانی جامعه شناسی، تهران: توتیا.
۴۰. ورام بن ابی فراس (بی تا)، تنبیه الخواطر و تزهیه النواظر، قم: انتشارات مکتبه الفقیه.
۴۱. هنفلینگ، اسوالد (۱۳۷۷ ش)، چیستی هنر، ترجمه: علی رامین، تهران: هرمس.